

Quranic Manifestations of Participatory Criminal Policy in the Control of Registration Crimes

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Shirzad Amiri¹,
Seyyed Hossein Hashemi^{2*},

How to cite this article

Shirzad Amir, Seyyed Hossein Hashemi, Quranic Manifestations of Participatory Criminal Policy in the Control of Registration Crimes, Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2018;2(2):162-169.

1. PhD in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Islamabad West Branch, Islamic Azad University, Islamabad West, Iran
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: shhashemi@mofidu.ac.ir

Article History

Received: 2018/03/16

Accepted: 2018/05/23

ePublished: 2018/06/21

ABSTRACT

Purpose: Present study was carried out in order to examine how religious beliefs influence the participatory criminal policy in controlling registry-based crimes by focusing on health.

Materials and Methods: Present research was done in the form of a descriptive-analytical one on the basis of library studies and searching valid domestic-international scientific databases.

Findings: Based on the research results, given that lack of self-control and communication by registry users is the most important challenge faced by the participatory criminal policy of controlling registry-based crimes, Quranic sights can be effective by placing emphasis on such concepts as institutionalization of social responsibilities of human beings, governance of affection culture, brotherhood and tolerance as canonical essentials.

Conclusions: In order to have a health-centered society, it is necessary to think of schemes and guidelines to be formulated with the help of Quranic concepts which need to be institutionalized to prevent commitment of registry-based crimes.

Keywords: Registry-based crimes, Participatory criminal policy, Citizenship rights

جلوه های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی در کنترل

جرایم ثبتی

شیرزاد امیری^۱

دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران

سید حسین هاشمی^{۲*}

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف بررسی چگونگی تاثیر بسترهای دینی در سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرائم ثبتی انجام یافته است. **مواد و روش ها:** پژوهش حاضر بر پایه مطالعات کتابخانه ای و جستجو در پایگاه های علمی معتبر داخلی و خارجی به صورت تحلیل و توصیفی انجام گرفته است.

یافته ها: نتایج تحقیق نشان داد با توجه به آنکه مهمترین چالش فراروی سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرائم ثبتی، عدم خود کنترلی و اطلاع رسانی کاربران ثبتی می باشد، جلوه های قرآنی میتواند با تاکید بر مفاهیمی چون، نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی انسان، حاکمیت فرهنگ محبت، برادری و عیب پوشی در مقام تکالیف شرعی تاثیرگذار باشد.

نتیجه گیری: لازم است تدابیر و راهکارهایی اندیشیده شود تا با استعانت از مفاهیم قرآنی و نهادینه نمودن این مفاهیم سعی در پیشگیری از جرایم ثبتی به منظور دادر شدن جامعه باشیم.

واژه های کلیدی: جرایم ثبتی، سیاست جنایی مشارکتی، حقوق شهروندی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

*نویسنده مسئول: shhashemi@mofidu.ac.ir

مقدمه

جرم ثبتی، فعل یا ترک فعلی است که در قوانین و مقررات موضوعه کشور راجع به ثبت اسناد و املاک و سند و غیره به عنوان جرم محسوب و برای آن مجازات تعیین شده است. در حقوق کیفری اختصاصی ایران، جرائم ثبتی با جرائم علیه اموال و مالکیت و جرائم علیه آسایش عمومی تقارن و تجانس دارند. کیفرهای ثبتی زیرمجموعه مجازاتهای بازدارنده می باشند. این کیفرها عبارتند از حبس، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب و لغو پروانه، انفصال و محرومیت از تصدی به شغل سردفتری یا دفتریاری. ویژگی مهم قوانین ثبتی و حقوق ثبت استحکام بخشی به مالکیت، درآمدزایی، تولید امنیت قضایی و اقتصادی، خاصیت لازم الاجرائی و آمریت و تردید و انکارناپذیری آنها است.

از دیگر سو سیاست جنایی مشارکتی جدیدترین و مهم ترین گرایش سیاست جنایی محسوب می گردد که در دوره معاصر در غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و جرم شناختی، بویژه بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در استفاده صرف از ابزارهای سنتی حقوق کیفری جهت مقابله با پدیده مجرمانه بروز پیدا کرد و بنابراین از عمر آن بیش از چند دهه نمی گذرد. (۱) هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه ی پیشگیری و پاسخ دهی به مجازات و باز پذیرسازی اجتماعی بزه کاران است. با این همه به نظر می رسد که باید مشارکت را فقط به حضور فیزیکی افراد محدود نکرد و مراد از مشارکت احساس مسئولیت افراد در برابر یکدیگر و همچنین در برابر کل جامعه، است. برخلاف حقوق جزا که عموماً قواعد خشک و یک سویه دارد، سیاست جنایی دارای تنوع در واکنش ها بوده و بیشتر شامل تدابیر کنشی و پیشینی یعنی مقدم بر ارتکاب جرم بوده و به طور کلی انعطاف پذیر است. (۲)

اسلام، یک دین جامع نگر بوده و تمامی ابعاد فردی اعم از جسمی و روانی و همچنین اجتماعی و مصالح اخروی و اخلاقی را مدنظر دارد و از سوی شارع حقیقی، یعنی کسی که خود، انسان را خلق کرده و به تمامی ابعاد و جهات مختلف زندگی او آگاه است تشریح شده است. از این رو باید گفت هیچ سیاست جنایی جامع تر از آن نیست، اما بر محققان اسلامی است تا با یک نگاه جامع نگر، ابعاد مختلف به ویژه بعد مشارکتی این سیاست جنایی را که مورد غفلت واقع شده است، از دل متون غنی اسلامی استخراج و استنباط کرده و برای اجرا در متن جامعه نهادینه کنند. (۳)

اسلام مبتنی بر فردگرایی و تعهد عقلی نیست، انسان را مسئول می شناسد و همواره بر مسئولیت انسان ها در مقابل یکدیگر تاکید دارد. بر اساس این مسئولیت، یک عضو جامعه نمی تواند نسبت به دیگر اعضای تفاوت باشند. اسلام اصل مسئولیت انسان را در کنار اصل برائت، قاعده درء، اصل ممنوعیت تجسس در امور خصوصی، اصل قضایی بودن مداخله کیفری، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها و امثال آن، دارای معنا و مفهوم می داند. تاکید سیاست جنایی اسلام بر این امر و مصادیق متعدد مشارکت عمومی در فرایند پیشگیری از بزه در تعالیم اسلامی نیز حکایت از آن دارد که دولت ها حقیقتاً امکان پیشبرد امر پیشگیری را بدون اتکا به مردم و نهادهای مردمی ندارند. خداوند در آیه و لَو لَّا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ. (بقره ۲۵۱) نیز این موضوع را متذکر شده که اگر مشارکت عموم مردم در امر پیشگیری از جرم صورت نگیرد، هرگز نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد و جرم و فساد همه جا را خواهد گرفت.

همچنین در آیه دیگری با مضمونی مشابه آمده است و لَو لَّا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ

^۱ - Participatory Criminal Policy

اقتدارگرایی فراگیر فاصله می‌گیرد. همزمان با توجه به تأکید دیدگاه‌های اسلامی بر مفاهیمی چون خیر عمومی، مصلحت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق مسئولیت، توجه به جامعه و همبستگی اجتماعی، مدل متناسب با اندیشه‌های اسلامی تا اندازه‌ای به مدل‌های جامعه‌ی نزدیک می‌شود؛ بدین‌سان مدل سیاست جنایی اسلام در میانه مدل جامعه‌ی و آزادی‌گرا قرار می‌گیرد.

سمیرا خزایی (۱۳۹۵) در پایان نامه‌ی «جلوه های عدالت ترمیمی و سیاست جنایی مشارکتی در قرآن کریم» مطرح می‌کند که عدالت ترمیمی مفهومی نوظهور در ادبیات جرم‌شناسی است که در ابتدا و پیش از هر چیز جرم را تعرض به حقوق افراد می‌داند. سیاست جنایی مشارکتی یعنی مشارکت مردم در پیشگیری از جرم و محاکمه و مجازات مجرمین به صورت مستقل یا توأم با نهادها و مراکز دولتی است. تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی در زمینه عدالت ترمیمی قوانین ما با الهام از آموزه‌های آن سعی کرده است به اهداف عدالت ترمیمی نزدیک شود.

جلوه های قرآنی و سیاست جنایی مشارکتی رویکرد مشارکتی در فرهنگ کهن ایرانیان، چه پیش از اسلام یعنی در روزگاران باستان و چه در تعالیم اسلامی، مورد توجه بوده است. دعوت به صلح و سازش و ... اصلاح ذات‌البین و ترجیح عفو بر قصاص، تأمین اجتماعی از رهگذر مالیات‌های اسلامی، نظیر ذکات و فطریه تأکید بر فرهنگ بزه‌پوشی و فعالیت بنیاد‌های نیکوکاری و انجمن ... بی‌گمان شکل‌گیری مشارکت مردم در نظام عدالت، ریشه‌ها، بسترها و جلوه‌های دیرینه دارد. تاریخ تمدن‌های جوامع، مذهب، فلسفه، افکار رایج و معمول به شکل‌گیری آنچه که امروز و به زبان مدرن، آن را سیاست جنایی مشارکتی می‌خوانیم منجر شده است. به دیگر سخن مشارکت مردم در نظام دادگستری منصرف از جلوه‌های نخستین آن و بسترهای تاریخی، فلسفی و مذهبی قابل‌تصور نیست و بدون شناخت این بسترها، مطالعه و بررسی موضوع پژوهش را بی‌مبنا می‌نمایاند. (۴)

در خصوص جایگاه و بستر دینی مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی، اختلافات و تعارض‌های دو یا چند جانبه سخن فراوان است. کوتاه سخن آنکه باید بر این باور بود که همه‌ی آدیان آسمانی به گونه‌ای مختلف و بر حسب نیاز و شرایط زمانی و مکانی انسان‌ها را به حل و فصل اختلاف‌ها و صلح و سازش دعوت کرده‌اند.

در آیین یهود و کتاب مقدس عهد عتیق یا تورات مقررات و احکام حقوقی فراوانی وجود دارد که در بخش‌هایی از این احکام به شرکت جامعه و قبایل بنی‌اسرائیل در پیشگیری از وقوع جرم و یا در سرکوب بزه اشاره شده و مورد حکم قرار گرفته است. در این آیین عالی‌ترین مرجع قضایی دادگاهی متشکل از سه قاضی منصوب بود که اختیار داشت در مورد احکام غرامت و دعاوی مالی حکم صادر کند. پایین‌ترین مرجع قضایی دادگاهی مرکب از سه قاضی غیر منصوب بود که طرفین دعوا باتوافق و رضایت هر سه آنها را انتخاب می‌کردند و گاهی هریک از طرفین قاضی را انتخاب می‌کرد و سپس این دو قاضی عضو سوم دادگاه را بر می‌گزیدند. این دادگاه‌ها که متشکل از قضات غیر منصوب بودند بیشتر شبیه به هیات‌های داوری عمل می‌کردند و بیش از هر چیز از طرفین می‌خواستند که با پذیرش سازش پیشنهادی توافق کنند. (۵) همچنین در آیین یهود و در حقوق کیفری ماهوی نیز به شیوه‌های مختلفی مردم در پیشگیری و سزادهی به مشارکت فراخوانده شده‌اند. در رسیدگی‌ها گفته می‌شود که حرام است قاضی سخنان یکی از طرفین را بدون حضور دیگری بشنود. در دعاوی مستوجب اعدام نیز که رسیدگی به آن در صلاحیت یک دادگاه با ترکیب ۲۳ قاضی است نباید با اکثریت یک نفری یعنی ۱۲ نفر در مقابل ۱۱

فِیْهَا سُمُّ اللّٰهِ کَثِیْرًا. و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌شود. (حج ۴۰).

به کرات در قرآن کریم به اهمیت مشارکت اشاره شده است. به عنوان مثال، در سوره شورا آمده است: وَالَّذِیْنَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَمْرُهُمْ شُورٰی بَیْنَهُمْ وَاَمَّا رِزْقُنَاْهُمْ فَنَنْقُوْنُ اَنْۡاَنَ کَہ دُعُوْتِ پُرُوْدِ گَارَشَانَ رَا اَجَابَتْ کُرْدِنْد و نَمَاز رَا بِنَا دَاشْتَنْد و اَمُوْرَشَانَ رَا بَہ مَشُوْرَتِ گُذَشْتَنْد و اَز اَنچَہ رُوْزِشَانَ کُرْدِیْم اِنْفَاق مِی کُنَنْد. اَنچَنَکَہ اِمَام عَلِی (ع) دَر مُوْرِدِ ضَرْوْرَتِ مَشَارَکَتِ مِی فَرْمَایَنْد اِذَا عَمِلْتَ الْبَآخِصَ بِالْمُنْکَرِ جَهَارًا ، فَلَمْ تَغْیِرْ عَلَیْهِ الْعَامَّةَ بَذَلْکَ اسْتَوْجِبَ الْفَرِیْقَانِ الْعُقُوْبَةَ مِنْ اللّٰهِ. هرگاه خواص به کارهای ناشایست دست زدند و گروه مردم بر ایشان نشوریدند، هر دو دسته مستوجب کیفر الهی خواهند بود. بدیهی است هر چه آگاهی ناظرین و شرکت‌کنندگان در عرصه‌ی عمومی بیشتر باشد، نظارت آنان دقیق‌تر و کارآمدتر در نتیجه جامعه سالم‌تر خواهد بود.

پیشینه پژوهش

مریم نقدی دورباطلی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای «تحت عنوان مدل‌های سیاست جنایی با تأکید بر مدل سیاست جنایی اسلام»، این سؤال را مطرح می‌کند که مدل سیاست جنایی چند نوع است و مدل مطلوب کدام است در پاسخ سه مدل سیاست را مطرح می‌نماید: دولتی، جامعه‌ی و مختلط، که هر کدام دارای گونه‌های هستند. کشف چگونگی یک مدل سیاست جنایی، در صورتی امکان‌پذیر است که مفاهیم مرتبط، اصول و ایدیولوژی حاکم بر آن، بررسی و شناخته شود. و در نتیجه‌گیری این موضوع مطرح است که اگر سیاست جنایی اسلام، به صورت یک مجموعه منسجم و بهم‌پیوسته، مورد توجه قرار گیرد؛ در این صورت می‌توان یک مدل سیاست جنایی مشارکتی، دارای اهداف عالی که مبتنی بر عدالت و ترقی و تکامل جامعه بشری است، تعریف کرد. بنابراین با توجه به مبانی و آموزه‌های سیاست کیفری اسلام مانند توجه به عدالت و شرافت انسانی و ضرورت حرکت در مسیر رشد و تعالی، سیاست جنایی اسلام یک مدل مطلوب و به صورت مشارکتی است.

علیرضا جمشیدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لوائح قضایی می‌کوشد که ضمن بازتعریف سیاست جنایی، نقش تدابیر پیشگیرانه را در قالب‌های کنشی و واکنشی آن از نظر تا عمل به ویژه چگونگی رهیابی این مفاهیم از دکتترین و آموزه‌های دانشگاهی به لوائح قضایی تقدیمی به مجلس، که در کمیسیون‌ها مراحل تصویب آن را سبیری می‌کند مورد بررسی و کنکاش قرار دهد که این تدابیر پیشگیرانه با تصویب نهایی قانون‌گذار جنبه عینی به خود خواهند گرفت.

رحیم نوبهار (۱۳۹۲) در مقاله «مدل‌شناسی سیاست جنایی اسلام»، با تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های اصلی مدل اقتدارگرایی فراگیر، استدلال می‌کند که می‌توان قرائتی اقتدارگرایانه از اسلام داشت؛ اما با توجه به تأکید اسلام بر عنصر فرد و هویت مستقل او در برابر جامعه و دولت، لزوم طراحی سازوکارهای قضایی لازم‌ان‌گونه که مقتضای یک محاکمه دقیق، عادلانه و به دور از اشتباهات قضایی باشد، پذیرش تفکیک قلمرو جرم به معنای حقوقی آن از انحراف و گناه، تأکید بر رعایت اصل قانون‌مندی و لوازم آن، پذیرش جامعه مدنی و حوزه عمومی جدا از دولت به مثابه کانون‌های توسعه و ترویج خیر عمومی، مدل سیاست جنایی اسلام به شدت از مدل اقتدارگرا و به‌ویژه

نقل می کند: اصلاح ذات البین برترین عبادت است: اصلاح ذات البین افضل من عامته اصلاحه و الصلح افضل ذات البین افضل از صدقه دادن زر و مال است. سوگند یاد کردن برای عدم دخالت در اصلاح ذات البین مانع از دخالت برای اصلاح نیست: و لا تجعلوا الله عرضة لايمانكم ان تبروا و تتقوا و تصلحوا بين الناس. دروغ گفتن در مقام اصلاح ذات البین جایز است: ان المصلح ليس بكذاب. صادق (ع) اجازه داده بودند که تنازع میان شیعیان با پرداخت از مال آن حضرت اصلاح گردد. این آیات و روایات نشان دهنده میزان اولویت و اهمیتی است که در اسلام به رفع خصومت و حل اختلاف مردم خارج از دایره ی قانون و قضاء داده شده است. بر این اساس، همواره راه غیر قضایی ایجاد صلح و سازش میان طرفین اختلافی که واجد جنبه کیفری است. ولی در عین حال دارای حیثیت غالب خصوصی قابل گذشت با مداخله و وساطت افراد جامعه و گروه های اجتماعی در نظام سیاست جنایی اسلام باز است. (۷)

۴- مسائل حقوقی و نحوه تنظیم اسناد تجاری در آیه ۲۸۲ سوره بقره

بزرگترین آیه قرآن، آیه ۲۸۲ سوره بقره است که درباره ی مسائل حقوقی و نحوه ی تنظیم اسناد تجاری می باشد؛ این آیه نشانه ی دقت نظر و جامعیت اسلام است که در دوره جاهلیت و در میان مردمی عقب افتاده، دقیق ترین مسائل حقوقی را طرح کرده است.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَانَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوا وَلِيَكُنْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يُؤْتِ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلِيُمَلِّلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ عَلَيْهِ الْحَقَّ وَ لِيُخَسِّنَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنَّ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيحًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمَلِّلْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَاتِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يُؤْتِ يَأْتِ الشَّاهِدَاتُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُبُوا صَعِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَ اذْنِي أَلَا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَ اسْتَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَ لَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ إِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقُكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمْ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می کنید، آنرا بنویسید و باید نویسنده ای در میان شما به عدالت (سند را) بنویسد. کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن خودداری کند، همانطور که خدا به او تعلیم داده است. پس باید او بنویسد و آن کس که حق بر ذمه او (بدهکار) است املا کند و از خدایی که پرورگار اوست بپرهیزد و چیزی از آن فروگذار ننماید. و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا (از نظر عقل) ضعیف و یا (به جهت لال بودن) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (بجای او) با رعایت عدالت (مدّت و مقدار بدهی را) املا کند و دو نفر از مردان را (بر این حق) شاهد بگیرد و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از گواهان، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند (انتخاب کنید) تا اگر یکی از آنان فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای ادای شهادت) دعوت می کنند خودداری نمایند. و از نوشتن (بدهی های) کوچک یا بزرگ مدّت دار، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)، این در نزد خدا به عدالت نزدیکتر و برای ادای شهادت استوارتر و برای جلوگیری از شک و تردید بهتری می باشد، مگر اینکه تجارت و داد و ستد نقدی باشد که در میان خود دست به دست می کنید که ایرادی بر شما نیست که آنرا بنویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، (باز هم) شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد (به خاطر حقگویی) زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرد) و اگر چنین کنید از فرمان خداوند خارج شده اید و از خدا بپرهیزید و خداوند (راه درست

نفر تصمیم اتخاذ شود که این نشان از دعوت به مشارکت حداکثری داوران در اتخاذ به تصمیم دارد. (۶) افزون بر آن در حجره سنگ تراشیده دادگاه های عالی ۷۱ نفره وجود داشت که هم وظیفه ی هیأت منصفه و هم وظیفه ی قضات را انجام می داد.

در آیین مسیح نیز یکسره سخن از صلح و نوع دوستی است چندان که نمونه هایی برای دعوت مردم به مشارکت و شرکت در حل اختلاف ها فراوان است. برای نمونه در حمایت از این امر که خود بیانگر دستوری در باب پیشگیری مشارکتی است در انجیل آیه های ۱۵ تا ۱۸ آمده است. چنانچه برادرت رو به گناه نهاد او را بیاب و در تنهایی نصیحت کن اگر نصیحت تو را گوش داد تو توانسته ای برادرت را رستگار کنی و اگر نصیحت تو را گوش ننهاد دو نفر دیگر را افزون بر خود گواه گیر زیرا در هر امری که منجر به تصمیم می شود به ۲ تا ۳ گواه نیاز داری تا چنانچه نصیحت تو را رد کرد رفتار وی را برای جامعه بازگو کنی و اگر باز هم نصیحت را نادیده گرفت او هم برای تو و هم برای مردم چون یک کافر است. زیرا در یک جامعه ی مسیحی باید بیشتر سعی شود بر پایه ی افکار برادری و احسان بنا شود.

به باور برخی نویسندگان یکی از مهم ترین میناهای حمایت از زیاندیدگان و توسعه ی عدالت ترمیمی اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی در مبانی ایدیولوژیک و فلسفی است. بدیهی است که این مبانی در نظام های حقوقی مبتنی بر مذهب چون نظام حقوقی ما صادق است، زیرا مفاهیمی چون، تعاون در امور خیر دعوت به سازش و آشتی و حمایت از زیان دیده ی مظلوم در اسلام از تکالیف شرعی و از موجبات خشنودی خداوند شمرده شده است که رستگاری بندگان خدا نیز در گرو آن است. در قرآن کریم که بهترین و جامع ترین و همچنین آخرین کتاب آسمانی است می توان موارد زیر را نام برد:

۱- تعاون در امور خیر

در قرآن کریم مسلمانان به همکاری و تعاون با یکدیگر در امور خیر فراخوانده شده اند و در امور شر نیز از تعاون و همکاری منع گشته اند که مصداق آن آیه ی شریفه ی «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (سوره مائده، آیه ۲) که یکی از مصداق تعاون در امور خیر همانا مشارکت و همکاری در رفع اختلافات ناشی از جرایم است.

۲- اصلاح ذات البین

اصلاح ذات البین به معنای پای در میان نهادن اشخاص ثالث به منظور رفع اختلاف بین دو مسلمان و نزاع آنان را به صلح و سازش ختم کردن است که از دستورات اکید اسلام به مؤمنان بوده است و در قرآن کریم آمده است: صلح بهتر است و الصلح خیر. (سوره النساء، آیه ۱۲۸) همانا مؤمنان برادرند، پس میان برادران خود سازش برقرار کنید، انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم. (سوره الحجرات، آیه ۱۰) از خدا بترسید و میان خود اصلاح کنید؛ فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم. (سوره الانفال، آیه ۱)

۳- شفاعت

در قرآن کریم تنها آیه ی قرآنی که در معنای شفاعت دنیوی به کار رفته و می توان برای تجویز و حتی شایسته بودن شفاعت مجرمان نزد حاکم بدان استناد نمود آیه ی ذیل است: «هر کس شفاعت نیکویی کرد او را از آن بهره است و هر کس شفاعت بد می کند نیز او از آن نصیبی است» من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعه سیئه یکن له کفل منها و کان الله علی کل شیء مقیتاً (سوره النساء، آیه ۸۵). (۷)

در روایات اسلامی نیز به این معنی توجه بسیار شده است. تا آنجا که شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه روایاتی بدین مضامین

مورد جمعیت، و کلمه «فسوق» به معنای خارج شدن از اطاعت است و منظور از کلمه «واتقوا» این است که مسلمانان از خدا بترسند و اوامر و نواهی ذکر شده در این آیه را به کار ببندند، و اما عبارت «و يعلمکم الله والله بکل شیء علیم» یعنی «خدا شما را تعلیم می‌دهد، که او بر همه چیز دانا است» کلامی است نو، که در مقام شده است. بنابراین قرآن کتاب هدایت و دستورالعمل زندگی بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت است. قرآن کتابی است که برای همه عصرها و نسله‌ها نازل شده و قابل استفاده برای عموم مردم است، باید به آن ایمان داشت و عمل کرد.

مفاهیم و مصادیق جرایم ثبتی در پرتو سیاست جنایی مشارکتی جرائم ثبتی جرایمی هستند که در صورت ارتکاب به موجب قانون جرم محسوب می‌گردد و مرتکب، کیفر خواهد دید. قانون ثبت احوال، قانون تخلفات جرایم، مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه ای برای انجام برخی از مواردی که در هر دو قانون جرم شناخته است برای آن مجازات پیش بینی نموده است. (۸) تخلفات ثبتی، تخلفاتی هستند که علیه قوانین و مقررات و آئین نامه ها و نظامات اداری صورت می‌گیرند. در یک تقسیم بندی می‌توان جرایم ثبتی را به دو دسته تقسیم کرد:

الف: جرائم ثبتی عام

تعریف: جرائم ثبتی عام جرایمی هستند که قانون گذار آنها را در حکم جرایم دیگر قرار داده است که عبارت است از جرائم ثبتی در حکم کلاهبرداری، خیانت در امانت و جعل که اینگونه جرائم از لحاظ انسانی و مجازات تابع شرایط عمومی جرایم موصوف بوده که مقنن جهت جلوگیری از تورم قوانین در این مورد صرفاً آن را به مقررات کلی جرایم مذکور ارجاع داده است. (۸)

ب: جرائم ثبتی خاص

تعریف: جرائم ثبتی اسناد و املاک خاص؛ جرایمی هستند که در حقوق کیفری اختصاصی ایران عنوان منحصر به فرد و ویژه‌ای دارند و با وجود اشتراک و تشابه با جرائم ثبتی در حکم جعل، خیانت در امانت و کلاهبرداری یا در قالب هیچ یک از صور جرائم اخیرالذکر که گفته شد نمی‌گنجد. به تعبیر دیگر این جرائم عنوان احکام و مجازات خاص خود را دارند. تعداد این جرائم در حقوق کیفری اختصاصی ایران محدود است. (۹) جرائم ثبتی خاص در موارد ۴۵ و ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک و ماده ۲۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و ماده ۶ لایحه قانون راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض مصوب ۱۳۳۳ آمده است. جرایم خاص ثبتی شامل مواد ۱۱۷ و ۱۰۳ قانون ثبت می‌باشد. طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت: هر کس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی اعم از منقول یا غیر منقول حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حبس یا اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. (۱۰) از سوی دیگر طبق ماده ۱۰۳ قانون ثبت: هر یک از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک عمداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود. این جرایم عبارتند از:

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به معامله معارض هر گاه کسی به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی اعم از منقول یا غیر منقول، حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق انجام دهد، مجرم شناخته می‌شود. در حقوق کیفری اختصاصی ایران از جرم مندرج در ماده ۱۱۷ قانون ثبت به عنوان جرم معامله معارض یاد می‌شود، لیکن با نگرش به سیاق عبارات ماده مذکور می‌توان گفت که جرم

زندگی را) به شما تعلیم می‌دهد و خداوند به هر چیزی داناست. (سوره بقره، آیه ۲۸۲)

احکام آیه (۲۸۲) سوره مبارکه بقره با قید «بدین الی اجل مسمی» به جز معاملات نقدی، شامل هر معامله‌ای می‌شود که در آن تعهدی وجود داشته باشد مانند قرض مدت دار، نسیه، سلف، رهن، ضمان مالی، حواله، شرکت، مضاربه، ودیعه، عاریه، اجاره و... کلمه «تداین» که مصدر «تداینتم» است به معنای قرض دادن و قرض گرفتن است. عبارت «بدین الی اجل مسمی» به جز معاملات نقدی، شامل هر معامله‌ای می‌شود که در آن تعهدی وجود داشته باشد. کلمه «فاکتبوه» ظاهر این خطاب که به معنای «خود بنویسید» می‌باشد، مربوط به اشخاصی است که متعهد می‌شوند (مدیون). فعل امر «یکتب» نشان می‌دهد که نویسنده‌ای باید به امر نوشتن مبادرت کند. از کلمه «کاتب بالعدل» معلوم می‌شود که نویسنده سند باید عادل و عالم باشد مانند یک قاضی، زیرا نوشتن اسناد برای پیشگیری از اختلافات است و نوعی قضاوت به شمار می‌رود. دو عبارت «کاتب بالعدل» و «کما علمه الله» بر این امر دلالت دارند که نویسنده سند همراه با عدالت و علمش نبایستی از آنچه خدایش به او آموخته دریغ ورزد و از امر نوشتن و ثبت معاملات و اسناد امتناع نماید با توجه به این نکته می‌توان اظهار داشت که موضوعات فوق تأکید بر این دارد که انجام این گونه نیازهای عمومی بر هر که تخصص و بینشی دارد واجب کفایی است و نباید از آن سر باز زند. کلمه «املال» و کلمه «املأه» هر دو به معنای این است که شما بگوئید و دیگری بنویسد و کلمه «بخس» به معنای کم گذاشتن و حیف و میل کردن مال مردم است. فعل «ولیملل» بر این نکته تأکید می‌کند که کاتب نباید از خود چیزی بنویسد بلکه مدیون باید کلمه به کلمه دیکته کند و کاتب آن را ثبت نماید چون هر کلمه و تعبیری، سند و حجتی خواهد بود.

از آنچه ذکر شد دانسته می‌شود که در قوانین و مقررات ثبتی کنونی نیز هیچ سردفتر و یا مسؤول دفتری نباید معاملات اشخاصی را که مجنون یا غیر رشید یا به نحو دیگری از انحاء قانونی ممنوع از تصرف هستند ثبت نماید مگر این که معامله به وسیله قائم مقام قانونی آنان یعنی ولی یا قیم یا مدیر تصفیه امور آنان واقع شود و این مطلب در ماده (۵۷) قانون ثبت تصریح شده است.

کلمه «سأمة» که مصدر «تسأموا» است به معنای خسته شدن است و فعل نهی «لا تسأموا» تأکید و تعمیم بر امرهای ثبت و نوشتن است: «نبايد برای نوشتن و ثبت کردن دیون و تعهدات خود احساس خستگی کنید چه اندک باشد یا بیش، ریز باشد یا درشت.» چه بسا مسائل ریز و یا کوچکی در معامله یا شرایط آن که به چشم نمی‌آید و مورد توجه واقع نمی‌شود و شخص نوشتن آن را خستگی آور و اتلاف وقت می‌پندارد، می‌تواند به عنوان منشأ اختلاف و کشمکشها و صرف مالها و زمانها و افزایش محاکم و اتلاف اموال شود

کسی که از ثبت معاملات اندک خودداری می‌کند چه بسا از ثبت معاملات بیشتر و شرایط آن هم غافل می‌شود، بهتر است مردم برای ادای عادلانه حقوق و بستن راه بدبینی و اختلاف، قوانین و روشهایی را به کار برند.

مگر آنکه معامله‌ای نقدی باشد، که ما بین خودتان انجام می‌دهید، پس در نوشتن آن حرجی بر شما نیست. فعل نفی «جناح» در آیه فوق، بیانگر آن است که در معاملات نقدی نیز گاهی و چه بسا همیشه، ثبت آن بجا و مقدم می‌باشد ولیکن چون در معامله نقدی کالاها، دین و ذمه‌ای در میان نیست تا منشأ تضییع حق در آینده و بروز اختلاف شود، بر ترک نوشتن و ثبت آن گناهی نیست.

کلمه «مضاره» که مصدر «لا یضار» است به معنای ضرر زدن طرفینی است که هم در مورد دو نفر استعمال می‌شود، و هم در

نماید. چنین فردی نیز در عرف قرآن کاذب نامیده می شود: «آیا مردم تصور می کنند که وقتی بگویند ایمان آوردیم، رها می شوند و امتحان نمی شوند؟ ما گذشتگان آنان را امتحان کردیم تا خداوند راستگویان و دروغگویان را معلوم گرداند.» (سوره عنکبوت، آیه ۳ و ۳) انسان های مورد نظر در این آیات با منافقان تفاوت دارند؛ زیرا اهل نفاق از همان ابتدا به دروغ اظهار ایمان کرده، تنها قصد استهزاء دارند و خود نیز بر کذب و عدم ایمانشان به خدا و رسول واقفند. در حالی که، با توجه به سبب نزول آیه این افراد در ابتدا بدون هیچ غرض نادرستی به زبان اظهار ایمان نموده اند و اینک باید دید آیا پس از مبتلا شدن به فتنه های دنیا باز هم بر ایمان خود باقی می مانند یا خیر؟ که در حالت اول، صادق و در حالت دوم، کاذب خواهند بود.

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به مفلس قلمداد نمودن خود به منظور فرار از ادای حق دیگری

هر گاه به واسطه عدم اقدام به برخی مواد مشخصه در ثبت، ملکی به ثبت رسیده و بعد معلوم شود، عدم تعقیب یا عدم ابراز تصدیق به علت فوت یا جنون یا حجر طرف دعوی با مستدعی ثبت بوده و اخطار مذکور در ماده فوق هم با این که مستدعی ثبت به فوت یا جنون یا حجر عالم بوده، به عمل نیامده است، قائم مقام قانونی متوفی و یا مجنون و یا محجور می تواند در ظرف پنج سال از بابت قیمت ملک و اجور و خسارات در محکمه حقوق به وسیله عرض حال جدید بر علیه مستدعی ثبت اقامه دعوی نماید. مبدأ پنج سال مذکور فوق در مورد وراثت کبیر و وراثی که ولی خاص (پدر یا جد پدری یا وصی منصوب مسلم الوصایه) دارند از تاریخ فوت و در غیر این موارد از تاریخ تعیین قیم یا مدیر تصفیه محسوب می شود. در مورد این ماده چنانچه مستدعی ثبت محکوم گردد و ملک را قبلاً به دیگری انتقال داده و در موقع اجرای حکم مفلس باشد و ثابت شود برای فرار از ادای حق طرف، خود را مفلس کرده به حبس تأدیبی از یکسال تا دو سال محکوم خواهد شد. (۱۳) این عمل همان طور که گفته شد باید به صورت متقلبانه و خلاف واقع باشد. این بخش، مهمترین جزء رکن مادی جرم موضوع ماده ۴۵ قانون ثبت است. در این خصوص می توان گفت رویکرد سیاست مشارکتی دینی از منظر حق الناس یا همان حقوق مردم است که همگان موظف به مراعات آن در قبایل دیگران اند، دارای گونه ها و مصادیق مختلفی است که همه آنها در اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از نظر احکام اسلام جان و مال و آبروی مسلمان حرمت دارد و هیچ کس حق ندارد به ناحق، آنها را مورد تعرض و تجاوز قرار دهد. بخشی از دستورات اسلام در این زمینه در آیات قرآن کریم تبلور یافته است که اگر افراد مسلمان در جامعه اسلامی آنها را مورد توجه قرار دهند و به عمل درآورند، شاهد جامعه ای عاری از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و سرشار از امنیت و آسایش خواهیم بود و معنای روایت مشهور نبوی که میفرماید: "المسلمین سلیم المسلمون من یده و لسانه: مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبانش در سلامت باشند" در جامعه تحقق عینی پیدا خواهد کرد. رعایت حقوق دیگران و عمل به احکام حقوقی اسلام در این زمینه اگرچه با توجه به تعریف حقوق و قوانین حقوقی، امری لازم و واجب است و ترک آن مستلزم عقوبت و مجازات؛ اما نتیجه این احکام و عمل به آنها در جامعه، نمود اخلاقی نیز دارد و میزان اخلاق مداری افراد یک جامعه را نشان میدهد. یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض منکم (ای کسانی که ایمان آورده آید اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر آنکهت جارتی باشد که از روی رضایت میان شما انجام یابد. (سوره نساء، آیه ۲۱) از اینرو بیان اهمیت حقوق مردم در منابع اسلامی به منظور مراعات هر چه بیشتر آنها در جامعه به رشد و توسعه اخلاقی آن جامعه هم کمک می نماید.

موضوع ماده یاد شده «تعهد یا معامله معارض» است که مراد منظور از آن این است که کسی مالی را اعم از منقول یا غیر منقول عیناً یا منفعتاً به دیگری انتقال و یا حتی در آن به دیگری بدهد و بعد نسبت به همان مال، معامله یا تعهدی معارض با حق واگذار شده بنماید. (۱۱) این جرم نیز از جمله جرائم مربوط به ثبت اسناد است و دارای ارکان سه گانه قانونی، مادی و معنوی بوده و مرتکبین مجازاتی دارند رکن مادی این جرم مرکب بوده و متشکل از اجزایی است. این اجزا عبارتند از: انجام دو عمل حقوقی پی در پی، تنظیم دو سند، انتقال حق، در تعارض قرار گرفتن اعمال حقوقی و اسناد تنظیمی و اعمال حقوقی انجام شده و اسناد تنظیم گردیده باید راجع به مال شخص مرتکب باشد. (۱۱)

جرم معامله معارض ماهیتاً با بسیاری از جرائم مالی از قبیل کلاهبرداری شباهت دارد. حقوق اسلامی احکام متعددی در خصوص کلاهبرداری و غیره تحت عنوان اکل مال به الباطل ذکر شده است هم چنان که در آیه شریفه «لا تأکلوا أموالهم بینکم بالباطل» سوره نساء، آیه ۲۹ ذکر شده است اشاره به منع و تحریم استفاده اموال یکدیگر به طریق باطل و ناحق نموده و یا در حدیث نبوی «نهی النبی عن الغرور لایحل امر مسلم الا به طیب نفسه» که دلالت و منع و تحریم تصاحب و ربودن مال غیر به ناحق و برخلاف میل و رضای صاحب آن دارد.

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به تصدیق خلاف واقع دادن تصدیقات خلاف واقع، یکی از موارد بارز خروج از جاده اعتدال و بی طرفی است. به همین خاطر، قانونگذار چنین عملی را طبق ماده ۱۰۳ قانون ثبت جرم دانسته و معطی تصدیق خلاف واقع را مجرم و مستوجب مجازات تشخیص داده است. رکن مادی از دو جزء، دادن تصدیق و خلاف واقع بودن تصدیق داده شده تشکیل گردیده است. تصدیق، در لغت به معنی باور کردن، به راست داشتن، به درستی چیزی اقرار کردن، مقابل تکذیب است. (۱۱) دادن تصدیق یک اقدام عملی و به تعبیر حقوقی، فعل مثبت مادی است که عمدتاً به صورت مکتوب محقق می گردد. این عمل مثبت می تواند در قالب اعطای گواهی به درخواست شخص متقاضی یا در پاسخ استعمال و استفسار مقامات ذی ربط به منصفه ظهور برسد. با توجه به درج کلمه «عامداً» در متن ماده ۱۰۳، عمدی بودن جرم مسلم و یقینی است. در این جرم، شخص باید بداند که عمل ارتكابی اش غیر مشروع است (سوء نیت عام) و با این عملش ممکن است به اشخاص یا اجتماع خسارت و ضرر و زیان اعم از مادی و معنوی وارد آید (سوء نیت خاص). تذکر این نکته ضروری است که ذکر کلمه عامداً در ماده ۱۰۳ قانون ثبت مؤید این مطلب است که؛ رئیس محکمه رسیدگی کننده به جرم مذکور باید عمد مرتکب را اثبات نماید. (۱۲)

در این خصوص می توان گفت رویکرد سیاست مشارکتی دینی از منظر تطابق یا عدم تطابق گفتار یک فرد با حقیقت و در نتیجه، اطلاق وصف صادق یا کاذب به او، تنها موضوع بخشی از آیات مرتبط با صدق است، چرا که صدق مفهوم گسترده تری دارد، معنای صدق در اینجا، در ارتباط مستقیم با فاعل فعل و تحلیل نیست، بلکه چگونگی عملکرد اوست. بنابراین، این معنی از یک سوء، در کنار مفاهیمی همچون: وفا، امانتداری، پایداری بر پیمان و اخلاص می باشد و از سوی دیگر، در تقابل با مفاهیمی نظیر: نقض عهد، خیانت، فریب و نفاق قرار می گیرد. رای دستیابی به ویژگی هایی چون وفا، امانتداری و اخلاص، سخن حق گفتن و ادعایی مطابق با واقع نمودن، در ابتدای کار، شرط لازم است، اما کافی نیست. چه بسا ممکن است فردی به هنگام سوگند، در گفتار خود هم صادق به معنای اول باشد، یعنی بر مطلب حقی سوگند بخورد و هم اینکه به آن اعتقاد داشته باشد، اما به علت سختی ها و مشکلات یا وسوسه های شیاطین نتواند بر سوگند یا قول خود پایدار بماند و در نتیجه، عهد خود را بشکند، یا در امانت خیانت

ندارد و به تعبیری حس مسئولیت اجتماعی وجود نداشته باشد، صحبت از مشارکت مردم در سیاست جنایی امری بی نتیجه است. در تعالیم اسلامی، مکرر به مسئولیت اجتماعی انسان در قبال سرنوشت دیگران اشاره ای تأکید شده است. در روایتی کل افراد جامعه را راع و مسئول خطاب کرده و آنان را دارای مسئولیت نسبت به همه مردم می داند: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت. در سخنی از امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه آمده است «واتقوا الله فی عباده و بلاهه فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم؛ تقوی الهی را در خصوص بندگان خدا و بلاد او پیشه کنید، همانا شما در مقابل مکان ها و چهارپایان نیز مسئولیت دارید.» سخن از اصلاح ذات البین، امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همسایگان و دیگر آموزه های پیش گیرانه مبتنی بر مشارکت عموم، در صورتی قابلیت اجرایی دارد که مبانی این مشارکت که از جمله آنها، پذیرش مسئولیت در مقابل دیگران است، در جامعه نهادینه و پذیرفته شده باشد.

یکی دیگر از جلوه ها و آموزه های دینی در بستر سیاست جنایی مشارکتی بحث؛ حاکمیت فرهنگ محبت، برادری و عیب پوشی است. یکی از اساسی ترین مبانی هرگونه مشارکت مانند امر به معروف و نهی از منکر، نوع ولایت خاصی است که شریعت مقدس اسلام بین افراد اجتماعی به رسمیت شناخته است. در آموزه های اسلامی قبل از بیان امر به معروف و نهی از منکر، ولایت مومنان بر یکدیگر را بیان کرده، سپس این فریضه را فرع بر آن دانسته است، برای مثال به این آیه شریفه از قرآن کریم اشاره می کنیم: «والمومنین و المومنات بعضهم اولیاء بعض بأمرن بالمعروف و ینهون عن المنکر..» مردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند.» (سوره توبه، آیه ۷۱). اسلام همه افراد مومن در جامعه اسلامی را برادر یکدیگر می خواند و در آیه «انما المومنون اخوه» به این امر تأکید و تصریح می کند. (سوره حجرات، آیه ۱۰)

در صورت حاکم بودن فرهنگ برادری و محبت، هرکس فقط به دنبال اهداف و مطامع خود نیست، بلکه مشکلات دیگران را مشکلات خود و عیوب ایشان را عیوب خود دانسته و به دنبال رفع آن است. وقتی در جامعه به طور سازمان یافته محبت، برادری و پوشاندن عیوب دیگران به عنوان یک فرهنگ ترویج شود، مشارکت مردم در امر پیش گیری و کاستن آمار جرایم امکانپذیر می شود. مذهب یکی از عوامل موثر در ایجاد همگونی و هماهنگی فرهنگی است. علاوه بر تاثیر قابل توجهی که تعالیم دینی و اجرای دستورات الهی بر کاهش بزه کاری به طور مستقیم یا غیر مستقیم دارند، هماهنگی و همگونی که توسط دین و مکاتب دینی ایجاد می شود نیز عامل مهم پیش گیری از بزه کاری است.

سیاست جنایی مشارکتی نسبت به جرایم ثبتي در حکم کلاهبرداری

مقتن ایران بزه کلاهبرداری را در زمره جرایم تعزیری به شمار آورده است. همچنین جرم کلاهبرداری از زمره جرایم علیه اموال و مالکیت افراد به شمار می رود و تقسیمات شورای گسترش نیز بر این اساس می باشد، چرا که کلاهبردار اصولاً با اقدامات و عملیات متقلبانه و با صحنه سازی مبادرت به جلب رضایت افراد می نماید، تا در این جهت دیگران اموال خویش را در اختیار کلاهبردار قرار دهند و غالباً نیز این امر با رضایت مال بختگان صورت می گیرد (۱۴) که این امر یکی از جهات افتراق کلاهبرداری با سایر جرائم علیه اموال و مالکیت به شمار می رود، در سایر جرائم علیه اموال و مالکیت مانند سرقت، شخص مالباخته بدون رضایت و گاهی با اجبار و آکراه مال خویش را از دست داده و مال در اختیار مالباخته قرار می گیرد، در حالی که همانطور که گفتیم با توجه به آنچه که گفته شد در کلاهبرداری شخص مالباخته غالباً با رضایت و میل باطنی خویش و در اثر اغفال و فریب خوردن که ناشی از اقدامات و عملیات متقلبانه و صحنه سازی و مانورهای تقلبی شخص کلاهبردار می باشد مبادرت به تسلیم مال خویش می نماید. (۱۵) از منظر سیاست مشارکتی دینی، شارع مقدس اسلام این بزه را مذموم و تقیح فرموده است و مصداق بارز آن؛ فرموده خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره است آنجا که می فرماید: مال یکدیگر را به ناحق مخورید و کار را به محاکمه قاضیان نیفکنید که بوسیله رشوه و زور پاره ای از مال مردم را بخورید با اینکه شما بطلان دعوی خود را می دانید. چنانکه می بینیم خداوند کریم در این آیه شریفه مومنین را از خوردن مال دیگران به ناحق برحذر داشته است. در فقه اسلامی از بزه کلاهبرداری تحت عنوان احتیال و از کلاهبردار به محتال نام برده است.

نتیجه گیری

هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه ی پیشگیری و پاسخ دهی به مجازات و بازپس سازی اجتماعی بزه کاران و در نتیجه جامعه ای سلامت محورا است. بدون مبانی مسئولیت اجتماعی انسان، اعمال یک سیاست جنایی یا مشارکت مردم امکانپذیر نیست. به نظر می رسد آموزه های دینی با تأکید بر نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی انسان در این حوزه راهگشا باشد. در روایات اسلامی مکرر به مواردی اشاره می شود که انسان ها تبعات اعمال سوء دیگران را متحمل می شوند، زیرا با سکوت خود، رفتار آن ها را تأیید می کنند. تبعات ویرانی جامعه دامن گیر همه افراد به خصوص نسل های بعد خواهد شد بر همین اساس افراد نمی توانند با بی اعتنایی آن را به خود مرتبط ندانند. در جامعه ای که هر فرد فقط به خود و منافع شخصی خود اندیشیده و به آینده و سرنوشت دیگران کاری

References

1. Rostami, Ahmad, (2007) "People's Participation in the Criminal Process (Investigation of Criminal Policy in Western Countries)", Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, No. 2, pp. 139-149.
2. Sankaran, P.N(2003) Participatory Justice and Human Rights, Chicago, Lippincott Company.
3. Saffari, Ali (2001) "Theoretical foundations of crime prevention", Journal of Legal Research, Nos. 33 and 34, pp. 123-135.
4. Jamshidi, Alireza (2011) Participatory Criminal Policy, Tehran: Volume.
5. Adenstien Sat (2004) A Journey in the Talmud, translated by Baqer Talebi Darabi, Tehran: First Edition of the Center for the Study and Research of Religions and Beliefs.
6. Soleimani Hossein (2005) Criminal Justice, in Judaism, Tehran: First, Center for Information and Research on Religions and Religions.
7. Hosseini, Seyed Mohammad (2004) Criminal Policy in Islam and in the Islamic Republic of Iran, Tehran: Samat.
8. Mohammadi, Seyed Jalil (2009) Registration Crimes, Tehran, Tehran: Companion.
9. Hajiani, Ali (2005) Registration Crimes, Tehran: Start Publishing.
10. Eskafi, Nader (2003) Registration Culture, Tehran: Justice.
11. Hamidi Vaqef, Ahmad Ali (2005) Registration Law, Tehran: Lawyer.
12. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1999) Registration Law, Tehran: Ganj-e-Danesh.
13. Tavassoli, Ali (2010) Penalties for protection of registration rights, Tehran: Dadgostar Publications.
14. Reza Panah, Mohsen (2013) Critique of Registration Crimes, Tehran, Jangal Publications.
15. Adabi, Hamid Reza (2009) Specialized Registration Law, Tehran: Jangal Publications.